



درگذشت ابوالحسن نجفی

ابوالحسن نجفی، عضو پیوسته فرهنگستان زبان و ادب فارسی، مترجم، ادیب و زبان‌شناس توانا، دوم بهمن ۱۳۹۴ در سن ۸۶ سالگی چشم از جهان فرو بست. خالی شدنِ اتاقِ کارِ آرام و پرنورش در گروه ادبیات تطبیقی فرهنگستان و محروم ماندن جلسات شورای فرهنگستان از آراء صائب و حضور متین او سخت غم‌انگیز و فقدان او برای جامعه علمی و ادبی و آکادمیائی کشور ضایعه‌ای جبران‌ناپذیر است. افسوس که صفحات نه‌چندان کم‌شماری از تحقیقات و تألیفات بس ارزشمند او ناتمام ماند و بیماری چند ماه آخر عمر چنان جان وی را فرسود که مجال بازنگری و تکمیل یادداشت‌ها و نوشته‌هایی، هریک مشحون از نکته‌سنجی و روشن‌اندیشی، از کفش ربوده شد.

هوش سرشار، پشتکار کم‌نظیر، نظم و انضباط زاهدمنشانه، حیات تحقیقی آیینی، وجدان و غور علمی در حدّ و سواس، مهارت بیان استادانه، وسعت و تنوع معلومات، نکته‌بینی تحسین‌انگیز، علاقه مفرط به کشف و راه‌گشائی در تحقیقات کلیدی زبانی سازنده شخصیت معنوی نجفی بود. وی، در پرتو این مواهب فطری و سرمایه کلان کسبی، آثاری در نوع خود فرد و بی‌همتا در زبان فارسی پدید آورد.

نجفی، در ترجمه از زبان فرانسه به زبان فارسی، خلاق و دقیق و خوش ذوق بود. زبان آثار ترجمه‌ای او بی‌تکلف، سلیس، بی‌دست‌انداز، و خوشگوار است. وی، با استفاده از امکانات تمام‌نشده و بی‌کران زبان پخته و رنیده فارسی و گنجینه لغوی و تعبیری غنی خود همچنین با برخورداری از پشتوانه انس و الفت با روح زبان فرانسه، آثار

داستانی و تحقیقی عموماً زنده نویسندگان نامور فرانسوی را استادانه به فارسی خوشخوان و نگارین درآورد و، با کسب عنوان شوالیه *Palme académique* از سفیر فرانسه در تهران به پاس خدماتش در معرفی فرهنگ فرانسه به فارسی‌زبانان، می‌توان گفت بحق در صدر مترجمان هم‌ردیف خود نشست.

وی در تحقیقات زبانی اثری پدید آورده است در نوع خود بی‌بدیل و ثمره سال‌ها تتبع در آثار متعدد از جمله بیش از صد اثر عموماً داستانی معاصر و، در جنب آن، متون کلاسیک زبان فارسی حاوی خروارها بوم‌گویه (*idiome*) و، در قیاس با آثار سلف از این دست، به مراتب پرمایه‌تر. در این اثر، نکته‌بینی‌های فراوان هوشمندانه و اکتشافات بکرو بی‌سابقه می‌توان سراغ گرفت. خلاصه کاری است کارستان، فرد اعلا، و سرمشق کار تحقیقی عمیق تمام‌عیار که با عنوان شاید نه‌چندان شامل فرهنگ عامیانه در دو جلد و ۱۵۲۳ صفحه منتشر شده است.

این پژوهشگر زبردست، باز در عرصه زبانی، رهاورد بس گرانبهایی به جامعه ادبی ما اهدا کرد و آن دستگاهی است تماماً نو و راهگشا در عروض فارسی، با بهره‌گیری ماهرانه از زبان‌شناسی نوین. در این دستگاه، عناصر بنیادی متعددی را شاهدیم از جمله طبقه‌بندی اوزان بالفعل و بالقوه؛ رده‌بندی معقول و منطقی زحافات؛ تقلیل دوایر عروضی به یک دایره؛ و، در جنب آنها، تبیین و توجیه صور دوازده‌گانه و به اعتباری بیست و چهارگانه وزن رباعی، وزن دوری، ذوب‌حرین، و ترخیم. نجفی با ساخت و پرداخت این دستگاه، راه کاملاً‌نوی در عروض فارسی گشود و، علاوه بر آن، آموزش آن را به مراتب آسان‌تر ساخت.

کار پرارزش دیگر نجفی، که فایده آموزشی نیز دارد، کتاب *غلط‌نویسیم* است. این کتاب تا سال ۱۳۹۳ به چاپ نوزدهم رسید و، درباره‌اش، اظهارنظرهایی موافق و مخالف شده است. مؤلف، در آن، به استعمال قدما زیاد پابند مانده اما سختگیری او این حسن را دارد که بی‌بندوباری قلم‌های جوان را تعدیل می‌کند. وی گویا در نظر داشته ویرایش تازه‌ای از این اثر با درجه‌ای از انعطاف به دست دهد که متأسفانه، بر اثر وقفه‌ای طولانی در تجدید چاپ آن میسر نگشت.

در باب مبانی زبان‌شناسی و کاربرد آن در زبان فارسی که تألیف نجفی است می‌توان گفت

نخستین اثر به زبان فارسی در معرفی دانش جوان زبان‌شناسی بر مبنای آراء سوسور و نظریه نقش‌گرای مارتینه است. در این کتاب، مفاهیم بنیادی زبان‌شناسی نوین به زبان و بیانی روشن شناسانده شده و کاربرد خلاقانه آنها در زبان فارسی بررسی شده است. از همکاری پرارزش نجفی در ترجمه و ویرایش مقالات پرشماری از فرهنگ آثار، به سرپرستی شادروان رضا سید حسینی، نیز باید یاد کرد که مسلماً در بالا بردن وزن و اعتبار این دانشنامه شش جلدی مؤثر افتاده است.

اقدام خجسته نجفی در هدایت و تشویق گروهی از جوانان مستعد اصفهانی و پرورش این استعدادها در راه‌های بارور نیز نظرگیر است. این اقدام اعضای گروه را به مسیر درست رهنمون گشت و از کجروی‌ها مصون داشت. آنان حول جُنگ اصفهان گرد آمدند و، در برهه‌ای از سیر و جریان ادبی، زیر نظر تیزبین نجفی، آثاری شوق‌انگیز پدید آوردند.

نجفی به ساینه کنجکاوی فکری و شیفتگی به کشف رموز و نهانی‌ها، علاقه شدید به رمان‌ها و فیلم‌های پلیسی نشان می‌داد. وی اشتغال به این نوع از ادبیات داستانی را، که امروزه در غرب بازار گرمی دارد، در واقع وسیله‌ای برای استراحت و رفع خستگی از کار جدی اختیار کرده بود. در این تفریح سالم نیز، با فراست و حدس‌های صائب، استعداد شگرف خود را در کشف رموز نشان می‌داد.

نجفی از سال ۱۳۸۳ مدیریت گروه ادبیات تطبیقی در فرهنگستان زبان و ادب فارسی را بر عهده گرفت. از نجفی در شناساندن ادبیات تطبیقی و حد و مرز و جایگاه آن، جزوای هر چند کم‌حجم به تمام معنی روشنگر، با عنوان ادبیات تطبیقی به جا مانده است. افسوس که اشتغال او به کار نفس‌گیر تألیف «فرهنگ جامع فارسی-فرانسه» وی را از صرف وقت و مایه‌گذاری کافی در هدایت کارهای مربوط به ادبیات تطبیقی به مجاری درست بازداشت و فرصت آن نداد که انحراف آن را از مسیر درست نشان دهد. متأسفانه تحقیقاتی فرعی عموماً کاذب در دانشگاه‌ها و پژوهشگاه‌های ما باب روز شده و سیل مقالات به راه افتاده که این رشته نسبتاً تازه را به کجراهه برده است.

نجفی، در تدوین و تنظیم فرآورده‌ها و یادداشت‌ها و ذخایر معلوماتی و اکتشافات خود، هیچ‌گاه به آن رضا نداد که دستیاران یا دست‌کم دستیاری اختیار کند و این

مشکل‌پسندی موجب شده بود همه خرده‌کاری‌ها را خود یک‌تنه بر عهده گیرد. مزاج علمی سختگیر او، اگر کیفیت فراورده‌های بالفعل او را به حد کمال رساند، دستاورد بالقوه او را، که شاید از هم‌ارزی آنچه به مرحله تولید رسانده بود چندان دور نباشد، در خفایای گنجینه ذهن و مسوده‌ها و یادداشت‌هایش پنهان نگاه داشت.

ابوالحسن نجفی، سال‌ها عضو تحریریه نامه فرهنگستان بود و، در انتخاب و سفارش و داوری مقالات به‌ویژه در عرصه عروض سهمی مؤثر داشت. آنچه در باب عروض به دفتر مجله می‌رسید، عمدتاً با نظر صائب وی اصلاح و تکمیل و آماده چاپ می‌شد. جامعه علمی و ادبی کشور هرگز نام بزرگ و آثار درخشان این شخصیت محجوب، فروتن، و یگانه را از خاطر نخواهد زدود.

نامه فرهنگستان

